

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

هاله صفر زاده

۱۶ جولای ۲۰۱۱

زندگی و مبارزه مردم مکزیک

در برابر نئولیبرالیسم

۵

خصوصی‌سازی در مکزیک

یکی از مهمترین برنامه‌های نئولیبرالیسم در مکزیک، خصوصی‌سازی است که بعد از اجرای قانون نفتا، ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. در این میان، سرمایه داران مکزیک هم که روابط خوبی با دولت دارند، سودهای سرشاری می‌برند. به عنوان مثال، آنان دومین بانک تجاری بزرگ کشور را به قیمت ۳.۳ میلیارد دلار از دولت خریدند و سپس آن را ۵.۱۲ میلیارد دلار، به یک گروه تجاری آمریکائی فروختند (اختصاصی سازی که تحت عنوان خصوصی سازی، اجراء می‌شود).

خصوصی‌سازی صنعت برق مکزیک، صنایع نفت و ... روند این خصوصی‌سازی در همه کشورهای که برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول را پیاده می‌کنند، تقریباً یکسان است؛ یا به بهانه عقب‌ماندگی تکنولوژیکی و ممانعت از آلودگی محیط زیست، پای شرکت‌ها و انحصارات بزرگ را باز می‌کنند یا اول شرکت و نهاد اقتصادی را بدهکار می‌کنند، بعد خصوصی‌اش می‌کنند و بعد تعطیلی شرکت و یا تعدیل نیرو به دنبالش می‌آید که موج بیکارسازی را به راه می‌اندازد.

شرکت هواپیمائی مکزیک، در تابستان گذشته به بهانه ورشکسته شدن هشت هزار نفر از کارکنان خود را اخراج کرد. این شرکت نیز از شرکت‌هایی است که خصوصی شده است. شش هزار نفر از این کارکنان، عضو اتحادیه بودند. این شرکت فقط به قیمت یک صد و شصت و پنج میلیون دلار به فردی از ثروتمندترین خانواده‌های مکزیک فروخته شده است. در حالی که این شرکت با ۱۱۰ هواپیما حدود ۱۱ میلیون مسافر را در سال جابه‌جا می‌کند.

خاویر لوریگا، عضو کمیته هماهنگی سراسری جبهه زاپاتیستی آزادیبخش ملی، در مصاحبه‌ای در مورد این خصوصی‌سازی‌ها چنین گفت:

"از بیست سال پیش شاهد اولین موج خصوصی‌سازی در کشور هایمان هستیم. در همه کشورهای امریکای لاتین، در اروپا و بقیه جهان شاهد خصوصی‌سازی جاده‌ها، فرودگاه‌ها، صنایع مخابرات، آب، برق، نفت، معادن، ذوب آهن و غیره هستیم. در حال حاضر وارد مرحله دوم خصوصی‌سازی می شویم. این دوره شامل خصوصی‌سازی اراضی عمومی (دولتی) و هر نوع خدماتی است که جزو وظایف دولت بود، مثل تحصیل، خدمات درمانی، بازنشستگی، آب، جاده‌سازی، حمل و نقل و بنابراین دولت خلاصه می شود در اندامی حقوقی - سیاسی و سرکوبگر، که منافع چند شرکت جهانی را تضمین می کند و قوانینی را تصویب می کند که برای این شرکت‌ها مناسب باشد و مقابله با شورش‌ها را نیز تضمین می‌کند."

خصوصی‌سازی نفت مکزیك از ده سال پیش آغاز شده است. صنعت نفت مکزیك، در ماه مارچ ۱۹۳۸، توسط رئیس جمهور وقت، از دست گروهی از شرکت‌های نفتی که عموماً به نام «هفت خواهران» شناخته شده‌اند، خارج و مصادره شد. اما در طول دهه‌های بعد «پمکس» بخش‌های مهمی از ساختار خود را به شکل قراردادی به شرکت‌های حفاری و خدماتی چون «هالی‌برتون» واگذار کرد. این شرکت سالانه میلیاردها دلار سود از مکزیك خارج می‌کند.

خاویر الوریگا در این باره چنین می گوید:

"آنها صنعت نفت را تقسیم کرده‌اند به خود نفت، که در عمق خاک است و پتروشیمی اولیه و ثانویه. از آنچه پتروشیمی اولیه می نامند و در گذشته شامل تولید حدود ۲۰۰ ترکیب می‌شد، طی يك رفرم در قانون تنها بیست تا بیست و پنج ترکیب باقی ماندند و بقیه را به عنوان پتروشیمی ثانویه خصوصی کردند. امروزه صدها شرکت داریم، غالباً امریکائی، که در واقع تمامی مشتقات نفتی را در دست دارند. آنچه باقی مانده حتی استخراج آن را نیز می‌خواهند خصوصی کنند. با این حال از آنجا که یکی از خواسته‌های خلق‌های مکزیك ملی بودن نفت است، برایشان بسیار سخت است، ساده نخواهد بود."

مقابله با خصوصی‌سازی‌ها

مردم نیز در مقابل این خصوصی‌سازی‌ها ساکت ننشسته‌اند و مخالفت خود را در مقابل این سیل بنیان‌کن به روش‌های مختلف ابراز می‌کنند. به نمونه‌های موفق و ناموفقی از این مقاومت‌ها اشاره می‌کنیم.

شرکت برق مکزیک (۱)

ده اکتبر ۲۰۰۹ انحلال شرکت "برق و نیروی مرکزی" اعلام شد و هزاران پولیس، تأسیسات شرکت برق و نیروی مرکزی مکزیک را به اشغال در آورده و کارگران را با شدیدترین برخوردها، از این تأسیسات بیرون انداختند تا رئیس جمهور، این شرکت را به "کمیسیون فدرال برق مکزیک" واگذار کرده و سپس خصوصی کند. این در حالی بود که کمیسیون فدرال برق مکزیک به داشتن ده‌ها حساب "سیاه" (غیرقانونی) و پول‌شویی متهم شده بود. طی این اقدام، چهل و چهار هزار کارگر برق، بیکار شدند. کارگران این شرکت در سال ۱۹۳۳ طی مبارزه ای توانسته بودند حق بستن قرارداد دسته‌جمعی را به دست آورند.

پس از اشغال شرکت برق مرکزی و آغاز مبارزه "سندیکای مکزیکای برقکاران" علیه آن، فعالان سندیکا کار ترویجی گسترده‌ای را در سراسر کشور آغاز کردند. ده‌ها تن مواد غذایی، برای کمک به خانواده‌های کارگران بیکار شده، جمع‌آوری شد. در پی فراخوان سندیکای مکزیکای برقکاران، برای اعتراض به اشغال پولیسی- نظامی شرکت برق مرکزی و مصادره غیرقانونی این شرکت، روز یازده نومبر ۲۰۰۹ به عنوان روز اعتصاب عمومی برگزیده شد. در این روز، تمام جاده‌های ورودی شهر به اشغال کارگران و گروه‌های دیگر در آمد. نیروهای پولیس فدرال با شکیک گاز اشک‌آور و گلوله، به کارگران حمله کردند که طی آن تعدادی زخمی و ده‌ها نفر دستگیر شدند.

کارگران متشکل در سندیکای برقکاران مکزیک، هر از گاهی دست به یک اقدام اعتراضی می‌زنند تا شاید فرمان رئیس جمهور، باز پس گرفته شود و آنان بتوانند سر کارهای‌شان برگردند. در روز ۲۵ اپریل ۲۰۱۰ کارگران عضو سندیکای برقکاران مکزیک، در کنار شیوه‌های دیگر مبارزه، به اعتصاب غذا نیز روی آوردند. این اعتصاب غذا، بیش از یک ماه به طول انجامید. مردم و گروه‌های همبستگی از سایر کشورهای جهان، با حضور در کنار اعتصابیون با آنان همراهی کردند.

خصوصی‌سازی خطوط اتوبوسرانی مکزیکو

خط ۱۰۰ اتوبوسرانی، یکی از کارآمدترین و مهمترین خطوط اتوبوسرانی شهر مکزیکو بود که در سال ۱۹۴۲ تشکیل و در اپریل ۱۹۹۵ منحل شد. نابودی این شرکت، که نقطه آغاز روند خصوصی‌سازی وسایل نقلیه عمومی در شهر مکزیکو بود، با مقاومت گسترده رانندگان و دیگر کارگران آن شرکت، مواجه شد. رانندگان و دیگر کارگران، به مبارزه برای به دست آوردن کنترل و راهاندازی مجدد آن دست زدند، ولی با وجود کار توده‌ئی گسترده، نتوانستند در مقابل نیروهای دولتی تاب بیاورند و با آن که تا حد زیادی موفق شدند توده‌های مردم را در مبارزات‌شان شریک کنند، شکست خوردند.

جنبش اشغال کارخانه (۲)

مبارزه علیه خصوصی سازی و عقب افتادن دستمزدها در برخی شرکت ها، منجر به اشغال کارخانه توسط کارگران شد و در برخی از این کارخانه ها، کارگران توانستند تولید را به دست بگیرند و کارخانه را، خود اداره کنند. مبارزه کارگران برای "کنترل کارگری" سابقه طولانی دارد. به عنوان مثال، در اوایل قرن گذشته در نزدیکی شهر مکزیکو، در چند کارخانه نساجی، کارگران قیام کردند. اینان دهقانانی بودند که به کارگر بدل شده بودند. آنها شوراهای سرخ را تشکیل دادند. در مناطق نساجی در ایالت "پوئبلا" نیز، در سال های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ شورا تشکیل شد. بعدها، در سال های دهه ۱۹۳۰ در مناطق تولید صنعتی کشاورزی و در مناطقی که کارخانه تولید شکر از نیشکر وجود داشت، کارگران، شوراهای کارگری تشکیل دادند. دولت برای مقابله با شوراهای، به کارگران زمین داد و کوشید آن ها را مجدداً به دهقان بدل کند.

بعدها طی مبارزاتی، کارگران گاهی تا حد کنترل قسمت هایی از کارخانه یا محل کارشان پیش رفتند. برای مثال، مبارزات کارگران در صنایع فلز و معدن، با کنترل شرایط کار و خطرات ناشی از کار برای کارگران آغاز شد. این مبارزات، مخفیانه و گام به گام آغاز می شد، اما توانست سطح آگاهی کارگران را بسیار بالا ببرد. چنین مبارزه ای در "لاسارو کاردناس"، "لاس تروچاس"، در "التوس اورنوس دِ مخیکو" (تنورهای بلند مکزیکی) در "منوکلو" در ایالت "کاهویلا"، در "چدن مونته ری" و بسیاری کارخانه های دیگر، سابقه دارد. در برخی موارد، سرمایه داران، این کارخانه ها را می بندند و یا می فروشند. در مواردی هم، از شیوه های تعقیب و حتی قتل کارگران، استفاده می کنند.

در صنایع دیگر نیز، این شیوه مقاومت در مقابل بیکاری و احقاق حق وجود دارد. در کارخانه لوازم یدکی اتومبیل "اسپایسر" که کارگران، کارخانه را به اشغال خود در آوردند، تا زمان سرکوب وحشیانه توسط نیروهای انتظامی، نه تنها خودشان مقاومت کردند، بلکه مردم محله نیز به مقاومت آنان پیوستند.

در حال حاضر اشکال خود مختاری، کنترل کارگری و تعاونی، هنوز وجود دارد، ولی گرایش محدود است. "تعاونی کارگران پاسکوال" یک نمونه آن است. این شرکت نوشابه سازی و تولید آب میوه، در دهه چهل تأسیس شده بود. پس از مبارزات کارگران در سال ۱۹۸۲ و به خاک افتادن دو کارگر توسط ششول بندهای صاحب کارخانه؛ کارگران، کارخانه را خریدند و از سال ۱۹۸۴ به صورت تعاونی اداره اش کردند. این تعاونی، که در حال حاضر حدود ۵۳۰۰ کارگر در آن مشغول به کارند، تا به حال به بسیاری از مبارزات کارگری، از جمله مبارزات کارگران "اویسکادی" (سابقاً متعلق به شرکت "کنتیننتال تایر" آلمانی) یاری رسانده است.

از نمونه های دیگر کنترل کارگری در مکزیکی، می توان از "اویسکادی" نام برد. کارگران "سندیکای ملی انقلابی کارگران اویسکادی" با مبارزه های طولانی مدت، همراه با اعتصابی که سه سال ادامه داشت، توانستند با شکست شرکت فراملیتی- آلمانی "کنتیننتال" (چهارمین شرکت مهم لاستیک سازی جهان)، کنترل کارخانه را به دست گرفته و به عنوان یک تعاونی متشکل از کارگران، به کار در کارخانه خود ادامه دهند.

"روسنو" یکی از اعضای شورای کارخانه اویسکادی، در مورد شرایط و وضعیت کارگران بعد از شروع به کار این تعاونی، گفت: (۳)

"تعاونی در دست کارگران و در کنترل آن هاست. انتخابات، مستقیم اما با رأی مخفی است. هر ماه یک مجمع عمومی تشکیل می شود و در آن، نتایج تولید و مسائل مالی تعاونی مورد بحث قرار می گیرد. تصمیم گیری ها توسط کارگران و به صورت جمعی انجام می شود. بعضی ها آمادگی و اطلاعات لازم را ندارند، اما همه ما در حال یادگیری هستیم. ما مشاوران خوبی از فعالان کارگری داریم. مشکلات مالی برای سرمایه گذاری های جدید وجود

دارد که گاهی کار ما را کند می‌کند. با این وجود، در سال ۲۰۰۹ توانستیم هفت میلیون پزو سرمایه گذاری جدید داشته باشیم. هدف ما از تولید، تأمین یک زندگی بهتر برای کارکنان است. کارخانه ما یکی از کارخانه های صنایع لاستیک سازی است که کارگران درآمد خوبی دارند. در مورد استخدام کارگران زن هم اقداماتی انجام دادیم و اکنون ده تا پانزده زن کارگر در بخش تولید و تعدادی دیگر در بخش اداری داریم.

برای ما مهم است که جهت‌گیری دموکراتیک خود را حفظ کنیم. اما کار چنان هم راحت نیست. مشکلاتی هم داریم: مسأله آموزش افراد، آموزش برخورد دموکراتیک و مسأله کمک به سایر کارگاه‌ها و سازمان‌ها و حمایت از سایر جنبش‌ها. تا سال ۲۰۰۹ ما سودی نداشتیم، اما در جلسه قبلی پنج میلیون پزو سود، بین اعضای تعاونی به نسبت مساوی تقسیم شد. تا کنون ما یک مرکز فرهنگی و تفریحات سالم درست کرده‌ایم. قصد ساختن یک تعاونی مصرف برای کارکنان داریم. تعاونی، پنجاه درصد مخارج تحصیلات دانشگاهی فرزندان کارگران را می‌پردازد. اکنون در کارخانه ما ۷۴۱ نفر کار می‌کنند که همه دارای بیمه بازنشستگی خوب دولتی هستند و در فکر یک بیمه خصوصی اضافی، برای جبران کاهش دستمزد هستیم. ما با جنبش‌های اجتماعی و کارگران اعتصابی کارخانه‌های دیگر، از جمله "پوتوسی" اعلام همبستگی کرده‌ایم و در حد توان مان به آن‌ها کمک می‌کنیم. ما برای کارمان، از فضای اقتصادی جهانی، از جمله اختلاف بین امریکا و چین استفاده کردیم. زمانی که امریکا بر واردات چینی تا سال ۲۰۱۲، دوازده درصد مالیات گذاشت، ما از این فرصت برای فروش تولیدات خود استفاده کردیم؛ زیرا هفتاد درصد صادرات ما به بازار امریکاست. تا کنون شورای رهبری تعاونی خوب عمل کرده است، اما باید نیروهای جوان را برای آینده آماده کرد؛ نیروهائی که مثل ما تجربه اعتصاب سه ساله را ندارند.

ما به تکنولوژی جدید نیاز داریم. ما می‌خواهیم بازارهای جدیدی در امریکای مرکزی پیدا کنیم تا از وابسته بودن به بازار امریکا خلاص شویم. بسیاری از تولیدات ما در خودروهای ارتشی به کار گرفته می‌شود. ما در فکر تولید محصول جایگزین هستیم تا حاصل کار ما، در خدمت نظامی‌گری و جنگ به کار گرفته نشود، ولی در حال حاضر قدرت این کار را نداریم. در رابطه با محیط زیست و کاهش تولید، اقداماتی کرده‌ایم، به نحوی که اکنون، از آن کارخانه کثیف و دودزا و پر سر و صدا، محیطی آرام و تمیز ساخته ایم. امید ما به مبارزه برای بقاء و رشد است که چشم انداز آینده را برای ما تصویر می‌کند."

ادامه دارد

پاورقی‌ها:

(۱) - "مصاحبه با کارگران برق کار"، بهرام قدیمی

(۲) - "سندیکاها در مکزیک"، بهرام قدیمی

(۳) - "یک هفته با کارگران اوزکادی مکزیک"، فریده ثابت